ه) توافق کلیت متن خلاف شیخ طوسی و احتمال تلخیص شدن کتاب الخلاف سید مرتضی در آن

اذعان شیخ طوسی در الخلاف به رویت قبل الزوال للیلة القابلة شاهدی بر وجود نسخه اصلی ناصریات نزد سید مرتضی

مهمتر اینکه مرحوم سید مرتضی کتابی به نام الخلاف دارند، مثل کتاب الخلاف شاگردشان شیخ بسیار مفصل است. از این الخلاف ایشان هم مکرر نقل میکنند. من حتی احتمال دادم همینطور که سید در علم کلام کتاب الشافی دارند که خیلی مفصل است و شاگردشان شیخ الطائفه تلخیص الشافی نوشتند، این احتمال دور نیست که چون الخلاف استادشان خیلی مفصل بوده، الخلاف شیخ تلخیص آن باشد. خب اگر اینطور باشد که الخلاف ها مثل هم باشند، عبارات خلاف را میخوانم.

شاگرد: الخلاف سید را میخوانید؟

استاد: نه، الخلاف شیخ. الخلاف سید در دستها نیست متاسفانه. الخلاف شیخ الطائفه، جلد دوم، صفحه صد و هفتاد و یک. ببینید چقدر با عبارتی که ایشان میگویند از حیث کلی متن توافق دارد، البته به استثنای مواردیکه بحث میکنیم. شیخ فرمودهاند:

> **إذا رأى الهلال قبل الزوال أو بعده فهو لليلة المستقبلة دون الماضية. و به قال جميع الفقهاء. ذهب قوم من أصحابنا إلى أنه ان راي**

> **قبل الزوال فهو لليلة المامضية و ان راي بعده فهو لليلة المستقبلة. و به قال أبو يوسف. وقال أحمد: في آخر الشهر مثل قوله، وفي أوله مثل قول من خالفنا احتياطا للصوم.**
>
> **دليلنا: الأخبار التي رويناها في الكتاب المقدم ذكره، و بينا القول في الرواية الشاذة.**
>
> **و أيضا قول النبي (صلى الله عليه و آله): «إذا رأيتم الهلال فصوموا و إذا رأيتموه فأفطروا» و هذا رآه بالنهار، فينبغي أن يكون صومه و فطره من الغد، لأنه إن صام ذلك اليوم فيكون قد صام قبل رؤية الهلال.**
>
> **و أيضا روي ذلك عن علي (عليه السلام) و عمر، و ابن عمر، و أنس و قالوا كلهم: لليلة القابلة، و لا مخالف لهم يدل على أنه إجماع الصحابة[1]**

«إذا رأى الهلال قبل الزوال أو بعده فهو لليلة المستقبلة دون الماضية»؛ اگر روز هلال را دیدی برای شب بعد است. امروز روز سیام می‌شود. **«و به قال جميع الفقهاء»**؛ یعنی ابوحنیفه، شافعی و مالک.

«ذهب قوم من أصحابنا إلى أنه ان راي قبل الزوال فهو لليلة الماضية و ان راي بعده فهو لليلة المستقبلة. و به قال أبو يوسف»؛ ابویوسف که شاگرد ابوحنیفه است، معلوم است که از استادش فاصله گرفته است. اما محمد شیبانی همراه ابوحنیفه بوده که همان قول مشهور را دارد. ایشان اصلاً سفیان ثوری را جزء فقها ذکر نکرده‌اند. شاگرد ابوحنیفه به‌عنوان فقیه مفتی ابویوسف بوده است.

«دليلنا: الأخبار»؛ اشاره به تهذیب می‌کنند. ما این بحث را در تهذیب انجام دادیم. **«و أيضا قول النبي»؛** روایت را می‌آورند.

«و أيضا روي ذلك عن علي (عليه السلام)»؛ دیدی! همان «روی ذلک» که سید فرمود اینجا در خلاف هم «روی ذلک» دارد. یعنی دلیل ما بر اینکه [رؤیت قبل از زوال] کافی نیست. **«و عمر، و ابن عمر، و أنس و قالوا كلهم: لليلة القابلة»؛** همه اینها گفته اند که برای لیلة قابله است. نه ماضیة. **«و لا مخالف لهم»؛** مخالفی هم ندارند. **«يدل على أنه إجماع الصحابة».**

سید در انصارات دنباله اش را به این صورت گفته اند: «دليلنا: الاجماع المتقدم ذكره»؛ که همان مذهبنا است. بعد می‌فرمایند: «وأيضا ما روي عن أمير المؤمنين عليه السلام، وابن عمر، وابن عباس، وابن مسعود، وأنس أنهم قالوا: " إذا رئي الهلال قبل الزوال فهو لليلة الماضية " ولا مخالف لهم»؛ تعبیری «ولامخالف لهم» در عبارت شیخ هم بود. اینها نقطه مقابل هم بود. خب حالا کدام یکی از اینها جور در می‌آید؟ خلاف شیخ که می‌گویند: اجماع صحابه، لا مخالف لهم؟ یا عبارت انصارات که «لا مخالف لهم»؟ مخصوصاً اگر خلاف شیخ ناظر به خلاف سید مرتضی باشد. خب وقتی اطلاعات بیرونی را نگاه می‌کنیم تردیدی نداریم که مذهب شافعی و مالک و ابوحنیفه مذهب مشهور است. می‌گویی اگر قبل از زوال هم دیدی فایده‌ای ندارد و برای دیشب نیست. امروز سی ام است. این برای «الیلة القابلة» است.

احتمالی که ما دادیم همین بود که کلمه «قابله»ای که در خلاف شیخ آمده، همین کلمه «القابله» در کتاب اصل ناصریات ناصر هم بوده. همین کلمه «القابله» در دست سید مرتضی هم آمده و شرح کرده است. اصل کتاب ناصر به دست موید بالله زیدی رسیده. اما نسخه طوری بوده که ایشان «قابله» را «ماضیه» دیده. خیلی هم نزدیک هم هستند. «للیلة القابلة» بوده اما ایشان «للیلة الماضیة» دیده است. «قابلة» شب بعد میشود و «ماضیة» شب قبل میشود. در کتاب شرح تجرید موید بالله زیدی به ناصر «للیلة الماضیة» را نسبت داده است. و حال آنکه ناصر «للیلةالقابلة» نوشته بود. همان نسخه هم در دست سید بوده. در این فاصله زیدیه آمدهاند ناصریات سید مرتضی را استنساخ کردهاند. وقتی استنساخ میکردند «القابله» در اینجا را به «الماضیه»ای تبدیل کردند که در نسخه موید بالله بود. این نسخه مصحح زیدیه به دست علامه حلی رسیده است. لذا در کتاب المختلف میگوید «قال السید فی الناصریات ... للماضیة». و حال آنکه نسخه ناصریات سید در دست خود سید «القابلة» بوده.

حال برگردیم و «قابلة» را بگذاریم. میبینیم همه چیز صاف است و هیچ مشکلی ندارد. سید در ناصریات میفرمایند:

«إذا رئي الهلال قبل الزوال فهو لليلة القابلة. هذا صحيح وهو مذهبنا»؛ عین خلاف شیخ الطائفه میشود. **«وإليه ذهب أبو حنيفة»**؛ خیلی واضح است. مطلب ابوحنیفه واضح است و مشکلی ندارد. **«ولم يفرق بين رؤيته قبل الزوال وبعده»؛** ما مفصل از این عبارت بحث کردیم.

«وهو قول محمد»؛ محمد شیبانی. ابوحنیفه دو شاگرد مهم دارد که یکی از آنها قول استادش را دارد. **«و مالك والشافعي»؛** لذا شیخ در خلاف فرمودند «به قال جمیع الفقهاء». شیخ احمد بن حنبل را جزو فقها نمیدانند. در کتاب خلاف که برای تمام مسلمین را میآورند، میفرمایند «قال جمیع الفقهاء». خیلی صاف و روشن است.

---

[1] الخلاف نویسنده : الشیخ الطوسي جلد : ۲ صفحه : ۱۷۱

بازبینی #1
ایجاد شده 7 فوریه 2026 13:53:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 فوریه 2026 13:56:39 توسط ... .